



گفت و گو با فابیو کاناوارو

۲۴



ستاره خدشه ناپذیر

۲۴



همه چیز زیر سایه دوپینگ

۲۵



توهین ماتراتزی به زیدان تأیید شد

۲۶



دقیقه صفر

متشکریم مارچلو

آیدین مهاجر

اینجا- در اتاق ما- عکسی روی دیوار است از زین الدین زیدان در جام جهانی ۹۸ که دارد پا به توپ می دود، بسا آن استسیل درجه یک و دوست داشتنی اش . این عکس پیش از شروع جام جهانی شده بود البته دق بچه های فوتبالی شرق . هرکه می آمد و زیزو را می دید یاد جام جهانی ۹۸ می افتاد و به روز هایی می رفت که زیدان را تازه به عنوان یک ستاره شناخته بود و روز هایی را به یاد می آورد که او با پیراهن فرانسه در یورو ۲۰۰۰ و با پیراهن رئال مادرید در لیگ قهرمانان ۲۰۰۲ ، آقای می کرد و با نگاه عمیق به تصویر دلش می گرفت و پیش خودش می گفت کاش می شد زیدان خداحافظی باشکوهی از فوتبال داشته باشد . چنین هم شد . زیدان از همان بازی اول فرانسه نشان داد که برای حضوری موفق در این جام خوب تمرین کرده . آن تقه های تروتمیز و آن بازی شیک و بی نظیر بازگشته بود و بازی فرانسه نظمی دوباره یافته بود . انگار زیدان می خواست بگوید که ببینید، خوب تماشا کنید که چه کسی دارد از فوتبال خداحافظی می کند و ما می دیدیم و لذت می بردیم و برایش دعا می کردیم که بالابرود و بالاتر و می گفتیم حالا که می خواهد برود، بگذار روز آخر برود . روز آخر، از صبح بچه های شرق- منهای آدم هایی که طرفدار ایتالیا بودند- مانده بودند که بین زیدان و لیبی کدام یک را انتخاب کنند . برزخی شده بود . لیبی باید می برد یا زیدان؟

البته باید بگوییم که طرفداران زیدان بیشتر از طرفداران لیبی بودند . در نهایت هم اکثر آرای را به زیدان می دادند و می گفتند بگذارید استاد جام را ببرد بالا و بعد برود . اما ما دو سه نفر بودیم ؛ دو سه نفری که دوست داشتیم لیبی این جام را ببرد . دل خوشی از ایتالیا نداشتیم، اما می خواستیم مارچلوی کبیر جام را ببرد و برای خودمان دلایلی داشتیم . یکی از دلایلمان این بود که استاد لیبی بوده که زیدان را پرورش داده و الماس را صیقل داده است . اضافه های بازی اش را گرفته و چیزهایی به بازی او اضافه کرده که او را از یک هافبک خوب به یک فوق ستاره بدل کرده و این چیزی بود که ما را در انتخابان استوار می کرد . پیش خودمان می گفتیم، حتماً خود زیدان هم می خواهد لیبی جام را ببرد، بالاخره شاگرد یک جوری باید از خجالت استاد دربیاید . البته لیبی در شروع بازی کمی ما را ناامید کرد . منتظر بودیم که استاد لیبی یکی از آن کت و شلوارهای شیک و بی نقصش را بپوشد و کمی مرتب تر روی نیمکت بنشیند، اما خب، او بی حوصله تر از آن بود که به فکر این چیز ها باشد . اما همان اوایل بازی که تصویر او را دیدیم و آن آرامش بی نظیرش را، دانستیم که شب، شب ایتالیا است و وقتی که دیدیم فرانسه با همه اینکه خوب بازی می کند، نمی تواند دروازه ایتالیا را باز کند فهمیدیم که جام در دستان لیبی است . در آن لحظات البته به یک چیز دیگر هم فکر می کردیم و آن این بود که لیبی هم بین تیم ملی کشورش و شاگرد نابغه اش مانده . کدام معلمی است که شکست بهترین شاگردش را تاب بیاورد؟

زیاد حاشیه نمی رویم . بازی تمام شد . قبل از تمام شدن آن زیدان با حرکتی عجیب از زمین بازی اخراج شده بود و فوتبالش را به شکلی بی نظیر گذاشته بود کنار (فردا، پس فردا هم دلیل واقعی آن حرکت استاد روشن می شود و آن وقت بهتر می توانیم درباره حرکت او قضاوت کنیم .) ایتالیا قهرمان جهان شده بود، اما در چهره لیبی غم عجیبی بود . یک لحظه تصاویری را که پس از پایان بازی و قهرمان شدن ایتالیا، از لیبی پخش شد به خاطر بیاورید . ابتدا برگشت و گرمکن خود را برداشت و بعد شروع کرد به بغل کردن هر آدمی که دم دستش بود . بعد هم موقع استاد روشن می شود و آن گوشه ای ایستاد . آن سیگار برگ را که مدت ها منتظر دیدن آن در گوشه لبان استاد بودیم، درآورد و آتش زد و بعد از مسخوبه بازی های شاگردانش رفت جلو و یکی از بهترین تصاویر جام را پدید آورد . یک عمیقی به سبگارش زد، دود را از حلق بیرون داد، خم شد و جام را بوسید، بلند شد و دوباره یک عمیقی به سبگارش زد و به آسمان نگاه کرد . وای ! خدای من چه تصویری بود . فقط از نوابع چنین صحنه هایی برمی آید و استاد لیبی یک نابغه است . نابغه ای که می تواند از زیدان بازیکنی بسازد که یک سال پس از حضورش در یونتوس، فرانسه را به قهرمانی جهان می رساند. این تصویری که ما از زیدان در اتاقمان داریم و هر روز تماشاایش می کنیم و به گذشته ها می رویم مال همان روزهایی است که مارچلوی کبیر، بازی پسر دوست داشتنی اش را صیقل داده بود . این تصویر را که می بینیم و آن دستان از هم باز شده و آن استبل درجه یک و تسلط بی نظیرش را بر توپ، بیش از هر چیز یاد لیبی می افتم که به او چنین بازی کردن را آموخت و فکر می کنیم به اینکه خدا هم می خواست با دادن این جام به لیبی از او برای پرورش بازیکنی چون زیدان تشکر کند .

علی خماند : برخلاف تصور بعضی از مطبوعاتی ها و کارشناسان محمد نصرتی در جام جهانی خوب بازی کرد . از آن اشتباهات کودکانه خبری نبود و خیلی کم پیش آمد که نصرتی بی گذار به سمت دروازه حریف حمله برود و از دفاع غافل شود . زننده گل صعود ایران به جام جهانی بعد از بازگشت تیم ملی کمتر در دسترس بود اما بالاخره راضی شد که حرف بزند . حرف های نصرتی را در مورد بازی خودش، تیم ملی و جام جهانی می خوانید .

■ ■ ■

- چه برداشتی از جام جهانی داشتی؟**
- جام جهانی برای من تجربه بسیار خوبی بود .
- فقط همین؟**
- فقط تجربه خوبی بود .
- به غیر از تجربه چه چیز دیگری از جام جهانی به دست آوردی؟**

چه چیزی باید به دست می آوردم . چیز خاصی نبود که من بتوانم آن را به دست بیاورم . فقط این را فهمیدم که فاصله زیادی با فوتبال دنیا داریم .

- از نظر فنی؟**
- از نظر فنی کمتر ولی از نظر امکانات خیلی زیاد . از لحاظ فنی هم فاصله وجود دارد اما از نظر امکانات ما چیزی مقابل آنها داریم .
- چقدر از نظر فنی برای بازی های جام جهانی آماده بودی؟**
- من برای بازی در جام جهانی آماده بودم . اما تیم آن طور که باید برای جام جهانی آماده نشده بود . اگر تدارک بهتری می دیدیم خیلی بهتر نتیجه می گرفتیم .
- چرا این کار را نکردیم؟**
- من که نمی توانم پاسخ دهم باید از مسئولان سوال کنيد . به عقیده من تیم خیلی بهتر از این می توانست برای جام جهانی آماده شود .
- نداشتن بازی تدارکاتی تأثیر داشت؟**

یکی از بزرگ ترین مشکلات ما نداشتن بازی تدارکاتی بود . اما مشکلات بزرگتر از بازی تدارکاتی داشتیم .

■ یکی از اختلافاتی که بین برانکو و مخالفانش وجود داشت در خصوص جناح چپ تیم ملی بود که در نهایت هم تو در این پست بازی کردی .

قبل از جام جهانی برانکو به من گفت در دو پست

روی تو نظر دارم اما بعد از بازی با کره جنوبی که آن

حرف و حدیث ها به وجود آمد، رفتم پیش برانکو و به

او گفتم دیگر در دفاع چپ بازی نمی کنم و اگر

می خواهید من را دعوت کنید فقط در دفاع وسط بازی

می کنم . در اردوی سوئیس هم دفاع وسط بازی کردم

و به گفته خود برانکو فوق العاده بودم . اما وقتی از

سوئیس برگشتیم برانکو به من گفت : روی تو مرد هستم که در دفاع چپ یا دفاع وسط از تو استفاده کنم . من دوباره روی حرفم ایستادم که دفاع چپ بازی نمی کنم . او بالاخره تصمیم خود را گرفت تا من در دفاع وسط بازی کنم . در تمرینات دفاع وسط بازی می کردم اما مصدومیت ستار زارع همه چیز را خراب کرد . دفاع چپ نداشتیم و چون دیدم صادقانه با من صحبت کردند قبول کردم تا دفاع چپ بازی کنم .

■ دفاع وسط جای چه کسی قرار بود بازی کنی؟

دیگر نمی دانم . در ارنج دو روز قبل از بازی کعبی دفاع راست بود، ستار دفاع چپ و من و رحمان دفاع وسط تیم بودیم .

■ پس یحیی . . . ؟

یحیی پاسپورزش آماده نبود و دیر آمد و برانکو من

را در ترکیب قرار داده بود .

■ چرا در بازی با مکزیک

نتوانستید ریتم بازی خود را

حفظ کنید؟

فکر می کنم خیلی خوب بازی کردیم . اگر در نیمه اول یکی از توپ هایمان گل می شد کار مکزیک تمام نبود . مکزیک به ما گل بزن ننمود و آنها به مساوی هم راضی بودند اما خودمان برد را به آنها دادیم . اگر آن اشتباهات صورت نمی گرفت گل نمی خوردیم . همان گل شیرازه تیم را به هم ریخت . همه چیز با آن گل تمام شد .

- کسی به شما گفت نیمه دوم عقب بکشید؟**
- نه اتفاقاً در رختکن به همدیگر می گفتیم که بردن مکزیک دور از دسترس نیست . ما برای برد نیمه دوم را شروع کردیم اما آن اشتباه همه برنامه ها را به هم ریخت . گل بدی خوردیم و تیم به کما رفت و از هم شایید .
- چقدر درگیری های دادکان و علی آبادی در تیم تأثیر گذاشته بود؟**

چندان تأثیر نداشت چون بچه ها به فکر جام جهانی بودند اما به هر حال بی تأثیر هم نبود و تیم را آن طور که باید و شاید به جام جهانی راهی نکردند . همه چیز دست به دست هم داد تا تیم در جام جهانی نتیجه نگیرد .

■ بعد از آن باخت هم نوبت پرتغال بود؟

تیم از هم شاییده بود و همه در کما بودند . با اینکه

دادکان بارها می خواست به بچه ها روحیه بدهد اما کمتر کسی به نتیجه این بازی امید داشت . پرتغال تیم خیلی خوبی بود اما جدا از نتیجه ما مقابل این تیم خوب کار کردیم . کاش اولین بازی مان را مقابل پرتغال انجام می دادیم آن وقت شرایط بهتر می شد اما قرعه هم طوری رقم خورد که ما در بازی دوم دیگر شانس

برای صعود نداشته باشیم .

■ چه فرقی بین دو تیم پرتغال و مکزیک بود؟

قابل مقایسه نبودند پرتغال قوی تر بود و دیدید که

نزدیک بود به فینال برسد .

■ باز هم در نیمه دوم بازنده شدید . در بازی با پرتغال چه هدفی داشتید؟

می خواستیم نابازیم . چون اگر می باختیم حذف می شدیم . هدفمان این بود که خوب دفاع کنیم .

اتفاقاً خوب هم دفاع کردیم اما دکو طوری ضربه اش

را زد که از بین ۶ بازیکن مسماس با تیر دروازه وارد دروازه شد . واقعاً ضربه اش استثنایی بود . به هر حال فرق بازیکنی مثل دکو با سایرین اینجا مشخص می شود . با همین گل بود که تیم دوباره به هم ریخت .

■ تو در این بازی با کدام بازیکن پرتغال رودرو بودی؟

فیگو خیلی خوب بازی می کرد اما تیم ما طوری نبود که فیگو، رونالدو یا دکو بتوانند هر کاری که دوست دارند انجام دهند .

■ عملکرد دفاع ایران در

جام جهانی راضی کننده بود؟

من از عملکرد دفاع ایران از من سوال کردید من هم گفتم که عملکرد دفاع خوب بود اما این دلیل نمی شود که تیم بتواند پرتغال را ببرد .

■ انتقادات در مورد دفاع تیم ملی منطقی بود؟

بعضی از انتقادها منطقی و برخی فقط بهانه بود .

■ مثلاً کدام شان منطقی بود؟

همه انتقادات را یادم نیست اما برخی را به یاد می آورم که کلیت دفاع ایران را زیر سوال می برند که اصلاً منطقی نبود .

■ مثلاً این انتقاد درست بود که نصرتی را نباید در جناح

چپ قرار داد؟

اگر من رانمی گذاشتند چه کسی بازی می کرد؟

که گفتم نمی خواستم بازی کنم اما به من اصرار شد و مجبور شدم .

■ یعنی در لیگ ایران یک دفاع چپ نبود؟

من نمی دانم دفاع چپ بود یا نبود، مربی تیم حتماً دفاع چپ پیدا نکرده بود . در هر اردو یک دفاع چپ را می آوردند اما هیچ کدام خواسته برانکو را برآورده نکردند .

■ نقصیر برانکو بود که نمی توانست انتخاب کند یا واقعاً دفاع چپ وجود نداشت؟

من نمی دانم بروید از خودش پرسید، من فقط می توانم بگویم ستار زارع مصدوم شد من هم مجبور شدم در دفاع چپ بازی کنم .

■ حضورت در جناح چپ به نفع ات شد یا به ضررت؟

به ضررم، چرا باید به نفع ام شده باشد . من در پست خودم بهتر کار می کردم .

■ چرا فکر می کنی به ضررت شد؟

چون من دفاع وسط هستم و بعد از بازی با کره جنوبی عنوان کردم که هرگز دفاع چپ بازی نمی کنم . واقعاً نمی دانم چه بگویم . . . من از خود گذشتگی کردم و در پست غیر تخصصی بازی کردم . کسی دیگر را نداشتیم اما . . .

■ اگر باز هم دفاع چپ به تو پیشنهاد شود چه؟

به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی بازی نمی کنم من دفاع وسط هستم . گزینه دیگری را انتخاب کنند .

برای من دیگر بس است . انشاءالله یک دفاع چپ ایده آل در تیم ملی حضور پیدا خواهد کرد . پست دفاع چپ تنها پستی در فوتبال است که باید بازیکنش چپ یا باشد . این هم تجربه ای از جام جهانی .

■ تو که چپ یا نبودی، درست می گویم؟

نه چپ یا نیستم ، ولی روی پای چپم کار کرده بودم که با مصدومیت توانم پایین آمد .

■ پس اصرار برای بازی تو در جناح چپ برای چه بود؟

افسوس . ولی همین الان هم دو سه پیشنهاد خوب دارم

و اگر پاس رضایت نامه ام را بدهد، می روم!